روز درخواست سبز از پروردگار

گزارش: حمیده احمدیان راد

روز ۱۳ بدر دختری می گفت: «سال گذشته سبزه گره زدم و آرزو کردم وارد دانشگاه شوم. حالا در دانشگاه تحصیل می کنم.» وی گره زدن سبزی در روز ۱۳ بدر را در موفقیتش بی تأثیر نمی داند.

ایرانیان هر سال روز ۱۳ نوروز را کنار رودخانه ها، داخل پارکها، مناطق پر دار و درخت و جاده های با مناظر زیبا سپری می کنند. بسیاری از آنها دیگر نحوست روز ۱۳ نوروز و لزوم به در کردن این نحسی و نیز گره زدن سبزی یا سبزی به آب انداختن را جدی تلقی نمی کنند. با این وجود این رسم را پاس می دارند. در واقع به جا آوردن آیین های روز ۱۳ بدر شاید دیگر از اعتقادات قلبی بسیاری از مردم سرچشمه نگیرد ولی احساسی است که از سابقه تمدن چندهزار ساله در روح و روان ایرانیان باقی مانده است. در نتیجه مردم به سادگی مراسم و آیین های نمادین آن را کنار نمی گذارند. گذراندن روزی در دامان طبیعت به هر حال زیبا و خاطره انگیز است و وقتی با بهانه ۱۳ بدر در هم می آمیزد، روزی به یادماندنی می آفریند.

می گویند هخامنشیان هر سال ۱۱۲ ستون در دربارشان برپا می کردند. ۲۵ روز مانده به روز اول بهار در هر ستون دانه هایی سبز می کردند تا در روز ششم نوروز مقاومت هر محصول را در آن سال ارزیابی کنند و کشت مقاوم ترینشان را گسترش دهند. این سبزه ها روز ۱۳ نوروز دور ریخته نمی شدند تا در این روز به آب روان که سمبل روشنی و بهروزی است سپرده شوند.

براساس باور ایرانیان قدیم عمر زمین ۱۲ هزار سال است و آنها هر یک روز از ۱۲ روز نوروز را سمبل هزار سال عمر زمین می دانستند که در روز ۱۲ به پایان می رسد. با پایان عمر زمین انسانهایی که با اهریمن نبرد می کردند بر او پیروز می شوند، سوشیانت ظهور می کند و در نهایت جنگ اهورا مزدا بر ضداهریمن با پیروزی اهورا مزدا خاتمه می یابد. با این باور اجداد ما دوازده روز جشن نوروز را برپا می کردند و به یاد آن آشفتگی آخرین، آیین روز سیزده فروردین را نیز برپا می داشتند.

روز ۱۳ بدر امسال نیز مثل هر سال مردم سبزه گره زدند تا به آرزوهایشان برسند و سبزه ها را به آب روان یا ایزد آب هدیه دادند.

در رسوم ایرانی ماندن در خانه و کار کردن در روز ۱۳ نوروز جایز نیست. برای همین مردم شب پیش غذای روز بعدشان را که غالباً سبزی پلو یا کوکو سبزی است تهیه می کنند و به باغها و دشتها و کشتزارها می روند تا روز ۱۳ را کنار گل و سبزه سپری کنند. گویا انسان کهن ایرانی دراین روز به یاد آن آشفتگی نهایی خود را از هر قید و بندی رها می دانست ونظمهای اجتماعی را به هم می ریخت و رودخانه ها و جویبارها می رفتند و به شادی می پرداختند وطلب باران می کردند. ایرانیان باستان عقیده داشتند ایزد باران همواره با دیو خشکسالی مبارزه می کند و در صورتی که از این مبارزه پیروز می کنند و می گویند: «سیزده بدر، چاره به تو، سال دگه، خنه (خانه) شو، هاکوت کوتو، هاکوت کوتو.» سپس مقداری شیرینی در پای سبزه ای که گره زده اند می ریزند و از آن جا دور می شوند.

در همدان دختران بر از بازگشت از صحرا، به نیت بخت گشایی و شوهر یابی سوار شیر سنگی معروف همدان می شوند و به سر و تن شیر، شیره می مالند.

دختران کرمانشاهی عصر روز سیزده بدر بالای گلدسته مسجد می روند و هر یک، یک دانه گردو پایین می اندازند. گردوی هر دختری که شکست تا سال دیگر به خانه شوهر می رود.

بهرام فره وشی برای درک و تبیین هریک از آیین های سیزده بدر شرحی نوشته است. او گره زدن سبزه در روز سیزده را رسمی از روزگاران کهن می داند که در آن دوران آیین های مذهبی و جادویی به هم آمیخته بود و هر کس آرزوی خود را به نوعی عملاً برای خود برآورده می کرد و می پنداشت که بدین طریق در تحقق آن تسریع خواهد شد و گره زدن دو شاخه سبزه در روزهای پایان زایش کیهانی را تمثیلی از پیوند یک مرد و زن برای پایداری تسلسل زایش می انگارد.

سیزده بدر، آیینی از مناسک دوران گذار

در همه جوامع ابتدایی و کنونی برخی از رفتارهای فرهنگی و آیینی با گذر و انتقال از دوره ای به یک دوره دیگر اتفاق می افتد. در این آیین ها و رفتارها سه دوره یا مرحله جداشدن یا «گسستن»، «جداگزینی» و «پیوستگی» می توان باز شناخت. «آرنولد ون ژنپ»، مردم شناس و فولکلوریست فرانسوی این مراحل سه گانه را «مناسک گذر» نام نهاده است. این مناسک در بسیاری از رسم ها و آداب مربوط به زناشویی، آبستنی، بلوغ، مرگ و نوشدگی سال در میان قوم های مختلف جهان به خوبی مشاهده می شود.

بنا به عقیده بلوک باشی، سیزده نوروز مرز جدایی و فاصله میان دوره یا مرحله گذار و دوره و مرحله پیوستگی و همبستگی است. آیین های مربوط به روز سیزده می پرند یا «سیزده بدر»، از جمله بیرون رفتن دسته جمعی از خانه ها و پیوستن به جمع مردم دگر، پناه گرفتن در دامن طبیعت، در آب افکندن سبزه های رویانده و رهایی از هر قید و بند اجتماعی و پرداختن به نوشکای و بازی و شادی، برتابنده آشوب اجتماعی و از هم گسستگی مراجعت به حواشی شهرهای بزرگ نظم ها را به هم می ریزد. جاده ها با انبوه خودروهایی که به قصد استفاده از طبیعت از شهرها خارج شده اند، دچار گره های کور ترافیکی می شوند و انبوه زباله ها، طبیعتی را که اجداد ما چنین گرامی می داشتند می آلایند.

در واقع در روزی که به عقیده محققان روز طلب باران برای کشتزارهای نورسته بوده، طبیعت به انواع و اقسام آلاینده ها آلوده می شود.

در ایران باستان در روز سیزدهم فروردین که به ایزد باران تعلق داشت مردم به دشت و صحرا و کنار رودخانه ها و جویبارها می رفتند و به شادی می پرداختند و طلب باران می کردند. ایرانیان باستان عقیده داشتند ایزد باران همواره با دیو خشکسالی مبارزه می کند و در صورتی که از این مبارزه پیروز بیرون بیاید باران می بارد و رودخانه ها وجویبارها پرآب می شوند وگرنه آن سال خشکسالی می شود.

با همه مشکلات مختص این روز در سالهای اخیر، دیروز نیز بنا بر سنت چندهزار ساله مردم راهی کوه ودشت، جوار رودخانه ها و پارکها شدند. برخی هم حتی شده دقایقی را در خیابان قدم زدند یا ساعتی را در خانه کنار باغچه سپری کردند.

علی محبی ۲۵ ساله که به اتفاق چندتن از دوستانش به پارک سالی آمده می گوید: «به نظر من حالا دیگر هیچ کس به بدشگونی و نحسی روز ۱۳ فروردین فکر نمی کند. مردم تنها رسمی را که از گذشته برایشان باقی مانده به جا می آورند. این حالت احساسی و نوعی نیاز روانی است که در مردم به جا مانده که می خواهند در این روز به گردش بروند و شاد باشند. به طبیعت سری بزنند واز زیبایی ها و هوای خوش ماه فروردین استفاده کنند.»

در گوشه گوشه پارکها، جوار رودخانه های نزدیک به شهرها، باغات و کشتزارها مردم بساط پهن می کنند. قابلمه روی چراغ می گذارند یا غذایی را که در خانه درست کرده اند میل می کنند و حتی بساط قوری و سماور به پا می کنند و در ادامه رسوم قدیمی به بازی و تفریح می پردازند.

در پارک ساعی اسد صدقی از زمانی صحبت می کند که به اتفاق خانواده اش سوار گاری می شدند و باقلاپلو یا گوشت و یا آش و سایر تنقلاتی را که برای یک روز مورد نیاز بود همراه می بردند و به شاه عبدالعظیم می رفتند. وی می گوید: بیشتر مناطق مسیر ما که حالا مسکونی است آن موقع بیابان بود. ما هم همه نوع وسایل و مقدار زیادی غذا همراهمان می بردیم. چون وسایل نقلیه مناسب وجود نداشت و نمی توانستیم سریع به خانه هایمان برگردیم.»

بسیاری از محققان عقیده دارند بحث نحوست روز ۱۳ بدر هیچ ربطی به فرهنگ ایرانی ندارد و از غرب و احتمالاً یونان وارد فرهنگ ما شده است. اینک نیز بسیاری از مردم اصولاً اعتقادی به نحسی این روز ندارند.

فاطمه فروتن خانه دار می گوید: «من هر سال روز ۱۳ بدر را در کنار طبیعت سپری می کنم ولی به نحوست آن عقیده ندارم. اگر ما خودمان کارهایمان را درست و به موقع انجام دهیم، مراقب بچه هایمان باشیم و حواسمان را خوب جمع کنیم، اتفاقی نمی افتد که بعد بگوییم نحوست این روز دامانمان را گرفت.

به خوبی پیداست که محمد سرایدار افغانی یک آپارتمان مسکونی به یاد افغانستان افتاده است. او می گوید: «آداب و رسومی که در نوروز در ایران است در افغانستان هم وجود دارد. حتی در زمان حکومت طالبان هم عده زیادی از مردم شده به شکل پنهانی نوروز را جشن می گرفتند.»

وی می افزاید که در این موقع از سال هوای ایران و افغانستان هم کاملاً شبیه به یکدیگر است.

قدیم ها تهران ۱۲ دروازه داشت مردم از هر دروازه ای که به منزلشان نزدیکتر بود از شهر خارج می شدند و نحوست ۱۳ را میان گندم زارها و کشتزارهای سرسبز به در می کردند. الآن دیگر تهران شهری است که محدوده و دروازه ای ندارد. آن موقع بچه ها می خواندند، زردی من، غم من، ناراحتی من از تو، سبزی و خرمی تو از من. بعد سبزه گره می زدند و آرزو می کردند.

حالا هم مردم رسم چندین هزار ساله خود را با همان علاقه پاس می دارند و این راز ماندگاری فرهنگ ملتی است که هیچ گاه در مقابل هیچ ناملایمی خم نشده و هزاران سال است که با وجود همه فراز و نشیب ها به حیات مستقل خود ادامه داده است.

به بهانه سیزدهمین روز سال نو

پاسداشت سبزه های امید

رامتین سیار- روز از نو و روز ی از نو.بهار رسید و ما در شتابش حیران و سرگردان.دوباره سیزدهم فروردین.دوباره پاسداشت سبزه و سبزی.سیزده بدر حالا نه دیگر فرار از نحسی که پلی است میان رخوت روزهای تعطیل و آغاز کار و تکرار.سیزدهمین روز بهار هم آمد و رفت.مثل همه عمر.پر سرعت و پر شتاب. چقدر درباره این روز می دانیم ؟ در تاریخ چقدر از آن گفته ؟ سیزدهم نوروز را ایرانیان سیزده بدر می نامند و به یاد آشوب ازلی جهان، خان و مان خود را رها کرده و به دامان طبیعت می روند.آنها در این روز به بازی و شادی و گشت و گذار می پردازند و بنا بر باورهای کهن معتقدند که با این اعمال نحوست سیزده را از بین می برند، زندگی جمعی را سامانی دوباره می بخشند و به نوشدن خود و جهان می نشینند.

قدیمی ترین سند به جای مانده در منابع در دسترس، از برگزاری رسم سیزده بدر در دوران صفویان حکایت می کند.زنده یاد «مهرداد بهار»، اسطوره شناس ایرانی در کتاب «از اسطوره تا تاریخ» به «بیرون رفتن مردم از خانه در روز سیزدهم فروردین و جشن و پایکوبی در اماکن عمومی و حتی بی روپوش و رونده در خیابان آمدن زنان در دوران صفوی » اشاره می کند و این اشاره کوتاه تنها سندی است که از برگزاری سیزده بدر در آن دوران به جای مانده است.

سیزده بدر در دوران قاجار

در ایران روی کار آمدن قاجاریه در ایران و برگزاری این آیین سندهای بسیاری بر جای مانده است.«ادوارد یاکوب پولاک» در سفرنامه خود به نام «ایران و ایرانیان» شرحی از برگزاری سیزده بدر در دوره قاجار می دهد و می نویسد: «سرانجام روز سیزدهم، یعنی آخرین روز عید فرا می رسد.مطابق با یک رسم کهن گویا تمام خانه ها در چنین روزی معروض خطر ویرانی هستند.به همین دلیل همه از دروازه شهر خارج می شوند و به باغ ها روی می آورند.»

یکی دیگر از پژوهشگرانی که از برگزاری سیزده بدر در دوران قاجار روایتی دارد عبدالله مستوفی است.او نوشته است: «روز یا شب پیش هر کس به قدر وسع و لزوم تدارکی برای این روز می دید.از صبح این روز خانواده های شهری با سماورهای کوچک و بقچه بسته عهده که در آن خوراکی روزانه را بسته بودند، خیابان هایی را که به بیرون شهر می رفت پر می کردند.دسته دیگر که سیزده بدر را فقط برای عصر گذاشته بودند از دو سه ساعت بعد از ظهر به این خیابان ها رو می آوردند.....از شهر که بیرون می رفتند، هر دسته ای کنار نهر آب و سبزه زاری می نشستند.ناهار را در زیر طاق آسمان و اگر چند درختی گیر آورده بودند، در زیر سایه کم آن صرف می کردند.آجیل و شیرینی هم چه قبل از ناهار و چه بعد از ناهار داشتند، به علاوه، عصری کاهو یا سرکه یا سکنجبین و یا سرکه شیره حکماً باید بخورند.بعضی از خانواده های نسبتاً توانا تر رشته بریده و نخود و لوبیای پخته و اسفناج خرد کرده شسته در دو سه کیسه و دوغ و کشک در یک کوزه و مقداری پیاز و روغن همراه برده و در پوترتی که برای خود گرفته بودند آش رشته ای هم ضمیمه سایر خوراکی ها می کردند.»

مستوفی به شرح بازیهای روز سیزده بدر می پردازد و می نویسد:«شاید این روزه ده یک اهل شهر در خانه نمی ماند و اجمالاً هر کس تمکن بدنی داشت از این تفریح و تفرج خودداری نمی کرد.خانواده های اعیان اکثراً به باغ های داخل و خارج شهر می رفتند و در آنجا سیزده بدر را با تمام لوازم و جزئیات برگزار می کردند.....خانم ها به داریست مو کنار دیوار باغ تاب می بستند و تاب می خوردند، حتی الک دولک و توپ بازی هم می کردند.....»

از گذشته رسم بوده است که در سیزده بدر نمایش های قهرمانی و بازیهای فردی و دسته جمعی اجرا می شده است.علاوه بر آن بخت گشایی و رسم سبزه گره زدن از مشهورترین ویژگی های این روز به شمار می رود.

بخت گشایی

علی بلوکباشی درباره رسم بخت گشایی نوشته است: از رقتارهای آیینی دختران و زنان در روز سیزده بدر، رسم بخت گشایی است.در این روز در هر شهر و دیاری دختران دم بخت برای گشودن بخت خود و رفتن به خانه شوهر اعمالی انجام می دهند که به باورهای سنتی رایج در فرهنگشان مربوط می شود.

دختران شیرازی، شب سیزده نوروز یک نخ تابیده هفت رنگ ابریشمی را به کمر خود می بندند و صبح روز سیزده پیش از طلوع آفتاب از پسریچه نابالغی می خواهند تا گره آن را باز کند تا بختشان گشوده شود و به خانه شوهر روند.

در ساری، دختران صبح سحر از خواب برمی خیزند و به کنار نزدیکترین جوی آب خانه شان می روند و هفت بار از روی آن می پرند.هر بار که از روی جوی می پرند با خود می گویند:«سال دیگر، خونه شوهر.»

در اهواز، دختران برای بخت گشایی صبح زود سبزه یک کوزه سفالین پر از آب شب مانده را پای در اتاق یا حیاط خانه می شکنند.

دختران خراسانی به هنگام سبزه گره زدن رو به قبله می نشینند و نیت می کنند و می گویند:«سیزده بدر، چاره به تو، سال دگه، خنه (خانه) شو، هاکوت کوتو، هاکوت کوتو.» سپس مقداری شیرینی در پای سبزه ای که گره زده اند می ریزند و از آن جا دور می شوند.

دختران کرمانشاهی عصر روز سیزده بدر بالای گلدسته مسجد می روند و هر یک، یک دانه گردو پایین می اندازند.گردوی هر دختری که شکست تا سال دیگر به خانه شوهر می رود.

بهرام فره وشی برای درک و تبیین هریک از آیین های سیزده بدر شرحی نوشته است.او گره زدن سبزه در روز سیزده را رسمی از روزگاران کهن می داند که در آن دوران آیین های مذهبی و جادویی به هم آمیخته بود و هر کس آرزوی خود را به نوعی عملاً برای خود برآورده می کرد و می پنداشت که بدین طریق در تحقق آن تسریع خواهد شد و گره زدن دو شاخه سبزه در روزهای پایان زایش کیهانی را تمثیلی از پیوند یک مرد و زن برای پایداری تسلسل زایش می انگارد.

سیزده بدر، آیینی از مناسک دوران گذار

در همه جوامع ابتدایی و کنونی برخی از رقتارهای فرهنگی و آیینی با گذر و انتقال از دوره ای به یک دوره دیگر اتفاق می افتد.در این آیین ها و رفتارها سه دوره یا مرحله جداشدن یا «گسستن»، «جداگزینی» و «پیوستگی» می توان باز شناخت.«آرنولد ون ژنپ»، مردم شناس و فولکلوریست فرانسوی این مراحل سه گانه را «مناسک گذر» نام نهاده است.این مناسک در بسیاری از رسم ها و آداب مربوط به زناشویی، آبستنی، بلوغ، مرگ و نوشدگی سال در میان قوم های مختلف جهان به خوبی مشاهده می شود.

بنا به عقیده بلوک باشی، سیزده نوروز مرز جدایی و فاصله میان دوره یا مرحله گذار و دوره و مرحله پیوستگی و همبستگی است.آیین های مربوط به روز سیزده می پرند یا «سیزده بدر»، از جمله بیرون رفتن دسته جمعی از خانه ها و پیوستن به جمع مردم دگر، پناه گرفتن در دامن طبیعت، در آب افکندن سبزه های رویانده و رهایی از هر قید و بند اجتماعی و پرداختن به نوشکای و بازی و شادی، برتابنده آشوب اجتماعی و از هم گسستگی معنی های تمثیلی آورده : شادی و خنده در این روز به معنی فروریختن اندیشه های تیره و پلیدی، روبوسی نماد آشتی و به منزله ترکیه، خوردن غذا در دشت نشانه فدیه گوسفند عبدالعظیم می رفتند. وی می گوید: بیشتر مناطق مسیر ما که حالا مسکونی است آن موقع بیابان بود. ما هم همه نوع وسایل و مقدار زیادی غذا همراهمان می بردیم. چون وسایل نقلیه مناسب وجود نداشت و شهرها، فراوانی وسیله ای آمد و رفت سریع السیر، وسیله های ارتباط جمعی و ...به ناگزیر شهرداری های شهرهای بزرگ، دشواریهای آمد و رفت را پیش بینی می کنند.فراوانی اتومبیل و دیگر وسیله های آمد و رفت موتوری و نیز وسعت خانه سازی ها و شهرسازی ها، باعث شده که خانواده ها، سال به سال راه دورتری را برای « سیزده بدر» پشت سر بگذارند، تا سبزه و کشتزاری بیابند.

پی نوش-ت : میراث خبر، ۱۳ فروردین ۱۳۸۴

زدن سبزه، به نیت باز شدن گره دشواری ها و برآورده شدن آرزوها، از جمله بیرون کردن نحسی است.این باور، معروف است که «سبزه گره زدن» دختران «دم بخت»، شگونی برای ازدواج و همسر یابی، می باشد.در فرهنگ اساطیر برای رسم های سیزده بدر،

یک جدول با دو شرح ۳۴۳۱

جدول روزنامه ایران دارای دو شرح «عادی و ویژه» است. در صورت تمایل به حل دوشرح ابتدا یکی از شرحها را با مداد حل کرده و سپس با پاک کردن جواب شرح اول، به حل شرح دوم بپردازید.

جدول عادی

افقی:

۱- از شعرای مشهور آذربایجان که در غزل استاد بوده است و از آثار وی منظومه صحبت نامه را می توان نام برد _ فرمانروا
۲- سپاسگزار _ شهر آذری _ ناگزیر به انجام کاری
۳- عنصر شیمیایی فلزی به رنگ خاکستری نقره ای که در تهیه آلیاژها به کار می رود _ شهری در استان فارس _ مصیبت
۴- نوعی شیمی _ چند کتاب _ تاجار _ ضد خوب
۵- پاسخ پشتک دهان خودمانی _ ضربه ای با پا
۶- رها و سرخود _ پورش بردن _ بنیان
۷- ستر و حجاب _ روشنی و فروغ _ عبادت
۸- پسوند آلودگی _ زبون و بیچاره _ شکاف
۹- روزنامه _ ضرورت و حاجت _ شهری در استان آذربایجان شرقی
۱۰- بازار اوراق بهادار _ کسی که به دوست خود کمک کند _ حرف همراهی
۱۱- موسیقی سیاهان _ شیرینی کرمانشاه _ گروه ویژه
۱۲- پایان نامه _ عنوان احترام آمیز برای زنان _ پیروان _ چاق
۱۳- چرک جامه _ صمغ درخت کاج و سرو _ پا به پا رفتن
۱۴- پایین تر از سرلشگر _ نمایش همراه با ترانه خوانی _ قلعه
۱۵- پیشکش دادن - از بازیگران مرد فیلم سینمایی «یک بوس کوچولو» ساخته بهمن فرمان آرا

عمودی:

۱- طبق این اصل سمت نمایندگی قائم به شخص است و قابل واگذاری به دیگری نیست _ مسیحی
۲- خمیده _ رودی در فرانسه _ آبخوست
۳- فعال فرنگی _ صابر _ راه و منوال
۴- نزاع و جنگ - از عناصر اربعه _ جهنم _ حرف دو دلی
۵- شناخته نشده _ روزگار _ درون دهان
۶- پرز _ پیاپی آمدن _ ساکنان یک ناحیه
۷- زدنی دوچرخه سوار _ یکی از حالات مواد _ بیماری ها
۸- بیهوده _ نوعی انبردست که آروارهٔ آن باریک و بلند است _ نگهبان
۹- خاکروبه و آشغال _ گوش دهنده _ فرق سر
۱۰- عاقل و باخبر _ شهر دیگر استان فارس _ حرف ندا
۱۱- بخشش _ مخفف سیاه _ هر بخش مستقل نماز
۱۲- حرف هشتم _ واحد پول کانادا _ بسیار _ خوراک مرغ
۱۳- آموخته لقمان _ پاره کردن، جدا کردن چیزی به وسیله کشیدن _ حرکت کردن در خلاف جهت معمول با دلخواه
۱۴- جسم و تن _ خاک _ فانی
۱۵- مقصود و خواست _ نوعی خوراک ایرانی.

جدول ویژه

افقی:

۱- فیلمی از الیاکازان (جای محبت _ چهره ای در جمعیت _ وحشت در خیابان ها) _ فریب دهنده
۲- شترکش _ بسیار ترسنده _ از دست رفته
۳- پیامبری _ طول _ تابع و پیرو
۴- تنها شدن _ بت _ داده ها در لفظ بیگانه ها _ یال اسب
۵- منطقه ای در تهران _ شهری در استان آذربایجان شرقی _ سپاس
۶- بوییدن _ دستور برای انجام دادن کاری _ سنت ها
۷- فاقد استعداد بارور شدن _ از حالات مواد _ سقز جویدنی
۸- از مهره های شطرنج _ عضو یک هیأت اعزامی _ پس غذا
۹- ستودن _ اعضای هیأت دولت _ بلندی
۱۰- سرزنش کننده _ کتاب زردشت _ ضمیر وزنی
۱۱- هنگامی از روز که خورشید در سمت جنوب دیده می شود _ کلک و حقه _ بلندمرتبه
۱۲- واحد سطح _ دیگدان _ جوانمرد _ سود و فایده
۱۳- با «آمد» همراه است _ سراپرده _ تربیت
۱۴- مرضی که به سبب ازدیاد مقدار قندخون تولید شود _ فلانی _ پناهگاه
۱۵- شجاع و دلیر _ عنوان اثری از اودیسیوس الیتیس شاعر و ادیب معاصر یونانی (نشانه ها _ خورشید _ امضا)

عمودی:

۱- بررسی علمی سنگواره ها از نظر شناخت زندگی و مطالعه جانوران و گیاهان در گذشته _ کشوری آسیایی
۲- مستقیم _ از فرآورده های شیر _ گنجایش
۳- فرکانس _ خاکروبه _ تیره و کدر
۴- از لقب های اشرفی انگلیس _ دارای کیفیت کافی _ زهره و توان _ کافی
۵- درویشی _ راه پیمایی، روش _ پرش
۶- حرف درد تأسف _ یافندگی _ گردیدن
۷- پشیمان _ جانور بدبو _ حوادث و پیشامدها
۸- عبادتگاه راهب _ احساس بیزاری و ناراحتی شدید _ لوطی
۹- خودپسندی و تکبر- منافق _ مهره پشت
۱۰- برای اینکه _ طبیعت و سرشت انسان _ کلام شگفتی
۱۱- حیران _ خانه _ ماشین تحریر نوشتن
۱۲- ضمیر جمع _ یکان _ عضو پرنده _ پرتاب کننده
۱۳- کاهش و نقصان _ کلمه دعایی _ گونه ها
۱۴- تن و جسم _ مسلمان _ مقابل خرید
۱۵- اصلاح و دستکاری _ داستانی از دیوید هربرت لاورنس.

حل جدول عادی شماره ۳۴۲۶

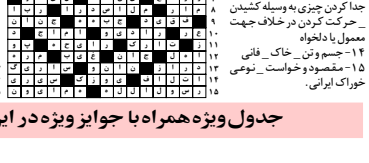

حل جدول ویژه شماره ۳۴۲۶

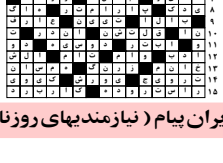

جدول ویژه همراه با جوایز ویژه در ایران پیام (نیازمندیهای روزنامه ایران)